



## تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسین طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

جلسه صد و پنجم؛ سه شنبه ۱۳۹۴/۲/۲۹

ثانیاً: تأخیر و عدم پرداخت به موقع طلب و در نتیجه زیان دیدن مضمون له، یا با رضایت خود طلبکار است که در این صورت نمی‌توان به «لاضرر» تمسک کرد؛ زیرا ضرر، ناشی از اقدام خود اوست. و یا این که بدون رضایت طلبکار است که در این صورت نیز یا ضامن علی وجه الحرام بدهی خود را به موقع نپرداخته و یا این که با عذر شرعی بدهی خود را به موقع نپرداخته است. اگر علی وجه الحرام باشد، در این صورت نیز «لاضرر» جاری نیست چون علی الفرض شارع حکم به حرمت فعل او کرده و جلوی ضرر را منسد کرده است، لذا ضرر مستند به شارع نیست.

بله، اگر تأخیر در پرداخت بدهکاری به إذن شارع باشد مانند این که مستقرضی توانایی پرداخت قرض خود را نداشته باشد که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید باید به او مهلت داد ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ﴾<sup>۱</sup> حال اگر مقرض یک سال صبر کرد و در این مدت ارزش پول کاهش پیدا کرد و در نتیجه مضمون له ضرر کرد، در این صورت ممکن است کسی بگوید ضرر از ناحیه شارع و مستند به شارع است، پس با «لاضرر» می‌توان عدم ضمان را برداشت و در نتیجه نقیض قهری آن را که ضمان است ثابت کرد.

در جواب عرض می‌کنیم: بعض روایات دلالت دارد که شارع مقدس این ضرر را الغاء کرده است؛ یعنی طبق این روایات نوسانات عادی قیمت مورد ضمان نیست. از جمله این روایات، صحیح‌های یونس و

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۰: ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

صحیحہ صغوان است کہ بیان می کند «لصاحب الدرّاهم الدرّاهم الأولى»<sup>۱</sup> از موثقی اسحاق بن عمار نیز می توان استفاده کرد:

### - موثقی اسحاق بن عمار:

و [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ<sup>۲</sup> عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ عَلَى الرَّجُلِ الدَّنَانِيرُ فَيَأْخُذُ مِنْهُ دَرَاهِمَ ثُمَّ يَتَغَيَّرُ السَّعْرُ قَالَ: فَهِيَ لَهُ عَلَى السَّعْرِ الَّذِي أَخَذَهَا يَوْمَئِذٍ وَإِنْ أَخَذَ دَنَانِيرًا وَلَيْسَ لَهُ دَرَاهِمٌ عِنْدَهُ فَدَنَانِيرُهُ عَلَيْهِ يَأْخُذُهَا بِرُءُوسِهَا مَتَى شَاءَ.

و رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ أَبَانَ مِثْلَهُ<sup>۳</sup>.

اسحاق بن عمار<sup>۴</sup> می گوید به امام کاظم عليه السلام عرض کردم مردی از دیگری دنانیری را طلبکار است و از او دراهم می گیرد و سپس ارزش آن تغییر می کند؟ حضرت فرمودند: برای اوست به نرخ همان روزی که دراهم را گرفته است [یعنی باید به قیمت همان روز حساب کند] و اگر دینار گرفته است و [طلبکار] از او درهم طلب ندارد، همان دنانیر بر عهدهی اوست و طلبکار هر وقت که بخواهد می تواند دنانیر را بگیرد [هرچند قیمتش تغییر کرده باشد].

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، کتاب التجارة، ابواب الصرف، باب ۲۰، ح ۴، ص ۲۰۷ و تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۱۷ و الاستبصار، ج ۳، ص ۹۹: وَ عَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ [عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَفْوَانَ قَالَ: سَأَلَهُ مُعَاوِيَةَ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ رَجُلٍ اسْتَقْرَضَ دَرَاهِمَ مِنْ رَجُلٍ وَ سَقَطَتْ تِلْكَ الدَّرَاهِمُ أَوْ تَغَيَّرَتْ وَ لَا يُبَاعُ بِهَا شَيْءٌ أَوْ لِيَصْحَابِ الدَّرَاهِمِ الْأُولَى أَوْ الْجَائِزَةِ الَّتِي تَجُوزُ بَيْنَ النَّاسِ فَقَالَ لِصَاحِبِ الدَّرَاهِمِ الدَّرَاهِمُ الْأُولَى.

۲. همان، ح ۲، ص ۲۰۶ و تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۱۷ و الاستبصار، ج ۳، ص ۹۹: وَ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام أَنَّهُ كَانَ لِي عَلَى رَجُلٍ دَرَاهِمٌ وَ أَنَّ السُّلْطَانَ اسْقَطَ تِلْكَ الدَّرَاهِمَ وَ جَاءَتْ دَرَاهِمٌ أَعْلَى مِنَ الدَّرَاهِمِ الْأُولَى وَ لَهَا الْيَوْمَ وَضِيعَةٌ فَأَيُّ شَيْءٍ لِي عَلَيْهِ الْأُولَى الَّتِي اسْقَطَهَا السُّلْطَانُ أَوْ الدَّرَاهِمِ الَّتِي أَجَازَهَا السُّلْطَانُ فَكَتَبَ لَكَ: الدَّرَاهِمُ الْأُولَى. وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ نَحْوَهُ.

۳. تهذیب الاحکام، المشیخة، ص ۶۳:

و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن الحسين بن سعيد فقد اخبرني به الشيخ ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبيد الله و احمد بن عبدون كلهم عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن ابيه محمد بن الحسن بن الوليد و اخبرني به أيضا ابو الحسين ابى جيد القمي عن محمد بن الحسن بن الوليد عن الحسين بن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعيد.

و رواه أيضا محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد عن الحسين بن سعيد.

۴. همان، باب ۹، ح ۳، ص ۱۸۴ و تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۰۷.

۴. اسحاق بن عمار ظاهراً صرفاً بوده و در میان روایاتی که نقل کرده، بعضی روایات جالب در مورد پول وجود دارد.

سند شیخ طوسی رحمته الله به حسین بن سعید ثقه، تمام است. فضالة بن ایوب هم ثقه است و ابان بن عثمان هم از اصحاب اجماع است. اسحاق بن عمار<sup>۱</sup> هم ثقه است هر چند گفته اند فطحی است. بنابراین سند روایت تمام است.

این روایت تقریباً نص<sup>۲</sup> است در این که اگر ارزش دینار تغییر کرد، طلبکار بیش از همان ارزش سابق نمی تواند بگیرد.

**إن قلت:** روایت در مورد درهم و دینار است که ارزش ذاتی دارد و نمی توان حکم مستفاد از آن را به پول اعتباری محض سرایت دارد که هیچ ارزش ذاتی ندارد.

**قلت:** اثبات کردیم که پول اعتباری محض هم بنفسه ارزش دارد، لذا از جهت نوسانات قیمت مانند درهم و دینار است.

و تأیید می شود به برخی اطلاقات که البته می تواند محکوم قاعده‌ی لاضرر باشد از جمله:

#### - صحیح‌ه‌ی ابراهیم بن عبدالحمید:

و [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ<sup>۲</sup> عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ<sup>۳</sup> عَنْ إِبْرَاهِيمَ

۱. رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۷۱:

إسحاق بن عمار بن حیان مولى بنی تغلب أبو یعقوب الصیرفی شیخ من أصحابنا، ثقة، و إخوته یونس و یوسف و قیس و إسماعیل، و هو فی بیت کبیر من الشيعة، و ابنا أخیه علی بن إسماعیل و بشر بن إسماعیل کانا من وجوه من روی الحدیث. روی إسحاق عن أبی عبد الله و أبی الحسن علیهما السلام، ذکر ذلك أحمد بن محمد بن سعید فی رجاله. له کتاب نوادر، یرویه عنه عدة من أصحابنا. أخبرنا محمد بن علی قال: حدثنا أحمد بن محمد بن یحیی قال: حدثنا سعد عن محمد بن الحسن، قال: حدثنا غیاث بن کلوب بن قیس البجلی عن إسحاق به.

✓ الفهرست (للشیخ الطوسی)، ص ۱۵:

إسحاق بن عمار الساباطی، له أصل، و كان فطحیا إلا أنه ثقة و أصله معتمد علیه، أخبرنا به الشیخ أبو عبد الله المفید رضی الله عنه و الحسن بن عبید الله عن أبی جعفر محمد بن علی بن الحسن بن بابویه عن محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن الحسن بن أبی الخطاب عن ابن أبی عمیر عن إسحاق هذا.

۲. تهذیب الأحکام، المشیخة، ص ۷۵:

و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن الحسن بن محمد بن سماعة فقد أخبرني به احمد بن عبدون عن ابی طالب الانباری عن حمید بن زیاد عن الحسن ابن محمد بن سماعة.

و أخبرني أيضا الشيخ ابو عبد الله و الحسن بن عبید الله و احمد ابن عبدون کلهم عن ابی عبد الله الحسن بن سفیان البزوفری عن حمید ابن زیاد عن الحسن بن محمد بن سماعة.

طریق دوم شیخ تمام است.

۳. ظاهراً مراد از جعفر بن سماعة، جعفر بن محمد بن سماعة است که توثیق شده است. ابراهیم بن عبدالحمید هم ثقه است. بنابراین روایت

بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَبْدِ صَالِحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ عِنْدَ الرَّجُلِ الدَّنَانِيرُ أَوْ خَلِيطٌ لَهُ يَأْخُذُ مَكَانَهَا وَرَقًا فِي حَوَائِجِهِ وَهِيَ يَوْمَ قَبْضِهَا سَبْعَةٌ وَ سَبْعَةٌ وَ نِصْفُ دِينَارٍ وَ قَدْ يَطْلُبُهَا الصَّيْرَفِيُّ وَ لَيْسَ الْوَرِقُ حَاضِرًا فَيَبْتَاغُهَا لَهُ الصَّيْرَفِيُّ بِهَذَا السَّعْرِ سَبْعَةٌ وَ سَبْعَةٌ وَ نِصْفٌ ثُمَّ يَجِيءُ يُحَاسِبُهُ وَ قَدْ ارْتَفَعَ سَعْرُ الدَّنَانِيرِ فَصَارَ بَاثِنِي عَشَرَ كُلُّ دِينَارٍ هَلْ يَصْلُحُ ذَلِكَ لَهُ وَ إِنَّمَا هِيَ لَهُ بِالسَّعْرِ الْأَوَّلِ يَوْمَ قَبْضِ مِنْهُ الدَّرَاهِمَ فَلَا يَضُرُّهُ كَيْفَ كَانَ السَّعْرُ؟ قَالَ يَحْسُبُهَا بِالسَّعْرِ الْأَوَّلِ فَلَا بَأْسَ بِهِ.<sup>١</sup>

ابراهیم بن عبد الحمید می گوید از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم درباره‌ی فردی که خودش یا شریکش از دیگری دینارهایی طلبکار بود و برای رفع حوائج خود به جای دینار، پول نقره (درهم) می گرفت. روزی که پول‌های نقره را گرفت، هر هفت درهم یا هر هفت و نیم درهم یک دینار بود. گاهی آن مرد سراغ صیرفی می رفت و پول نقره طلب می کرد اما صیرفی درهم نداشت و از دیگری به هفت یا هفت و نیم می خرید، بعد از مدتی آن مرد برای محاسبه پیش صیرفی آمد در حالی که دینار گران شده بود و هر دوازده درهم یک دینار شده بود، آیا باید به ارزش امروز حساب کند (دوازده درهم) یا به ارزش آن روزی که دنانیر را اخذ کرده بود و تغییر سعر ضربه‌ای به آن نمی زند؟ حضرت فرمودند: اگر با همان ارزش اولی حساب کند مانعی ندارد.

از این روایت استفاده می شود در زمانی که پول تبدیل شد، اگر نرخ همان زمان را بدهد کافی است و نوسانات مورد ضمان نیست.

### - روایت یوسف بن ایوب:

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ

صحیحہ می باشد:

✓ رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۱۱۹:

جعفر بن محمد بن سماعة بن موسى بن روید بن نشیط الحضرمی، مولی عبد الجبار بن وائل الحضرمی، حلیف بنی کندی، ابو عبد الله اخو ابی محمد الحسن و ابراهیم ابنی محمد. و كان جعفر أكبر من أخويه، ثقة في حديثه، واقف. له كتاب النوادر كبير. أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا أحمد بن جعفر بن سفيان قال: حدثنا حميد بن زياد قال: حدثنا الحسن بن محمد عن أخيه.

✓ الفهرست (للشيخ الطوسي)، ص ۷:

ابراهیم بن عبد الحمید، ثقة له أصل، أخبرنا به أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان المفيد و الحسين بن عبيد الله عن أبي جعفر محمد بن علی بن الحسين بن بابويه عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن يعقوب بن يزيد و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب و ابراهیم بن هاشم عن ابن أبي عمير و صفوان عن ابراهیم بن عبد الحمید، و له كتاب النوادر، رواه حميد بن زياد عن عوانة بن الحسين البزاز عن ابراهیم. (احمدی)

۱. همان، ح ۴ و تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۰۷.

عَنْ يُوسُفَ بْنِ أَيُّوبَ شَرِيكَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ عَلَى رَجُلٍ دَرَاهِمٌ فَيُعْطِيهِ دَنَانِيرَ وَلَا يُصَارِفُهُ فَتَنْصِيرُ الدَّنَانِيرِ بَزِيَادَةٍ أَوْ تَقْصَانٍ قَالَ: لَهُ سَعْرٌ يَوْمَ أُعْطَاهُ.<sup>١</sup>

یوسف بن ایوب می گوید: امام صادق علیه السلام درباره‌ی مردی که بر عهده‌ی دیگری دراهمی داشت و به او دینار می‌دهد ولی محاسبه نمی‌کرد [که هر دینار به چند درهم است] سپس دنانیر افزایش یا کاهش قیمت پیدا می‌کند فرمودند: برای اوست قیمت روزی که دنانیر را به او داده است.

بنابراین از این روایات استفاده می‌شود که نوسانات [عادی] قیمت در مثلیات از جمله درهم و دینار، مورد ضمان نیست.

والحمد لله رب العالمین

جواد احمدی

١. همان، ح ٥، ص ١٨٥ و تهذیب الاحکام، ج ٧، ص ١٠٨.

دو روایت دیگر در این باب وجود دارد که عبارتند از:

✓ وسائل الشیعة، ج ١٨، کتاب التجارة، ابواب الصرف، باب ٩، ح ٢، ص ١٨٣ و الکافی، ج ٥، ص ٢٤٥:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عْتَبَةَ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ عِنْدَهُ دَنَانِيرٌ لِبَعْضِ خُلَطَائِهِ فَيَأْخُذُ مَكَانَهَا وَرِقًا فِي حَوَائِجِهِ وَهُوَ يَوْمَ قَبِضَتْ سَبْعَةٌ وَنِصْفٌ بِدِينَارٍ وَقَدْ يَطْلُبُ صَاحِبُ الْمَالِ بَعْضَ الْوَرِقِ وَ لَيْسَتْ بِحَاضِرَةٍ فَيَبْتَاعُهَا لَهُ الصَّيرْفِيُّ بِهَذَا السَّعْرِ وَنَحْوِهِ ثُمَّ يَتَغَيَّرُ السَّعْرُ قَبْلَ أَنْ يَحْتَسِبَنَا حَتَّى صَارَتْ الْوَرِقُ أَثْنَى عَشَرَ بِدِينَارٍ هَلْ يَصْلُحُ ذَلِكَ لَهُ وَإِنَّمَا هِيَ بِالسَّعْرِ الْأَوَّلِ حِينَ قَبِضَ كَانَتْ سَبْعَةٌ وَنِصْفٌ وَنَحْوَهُ قَالَ: إِذَا دَفَعُ إِلَيْهِ الْوَرِقُ بِقَدْرِ الدَّنَانِيرِ فَلَا يَضُرُّهُ كَيْفَ كَانَ الصَّرُوفُ فَلَا بَأْسَ.

و رواه الشيخ بإسناده عن أحمد بن محمد بن عيسى نحوه

✓ همان، ح ٢، و الکافی، ج ٥، ص ٢٤٥:

[مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ أَبِي عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لِي عَلَيْهِ الْمَالُ فَيَقْبِضُنِي بَعْضًا دَنَانِيرًا وَبَعْضًا دَرَاهِمًا فَإِذَا جَاءَ يُحَاسِبُنِي لِثَوْبِي يَكُونُ قَدْ تَغَيَّرَ سَعْرُ الدَّنَانِيرِ أَيْ السَّعْرَيْنِ أَحْسَبُ لَهُ الَّذِي كَانَ يَوْمَ أُعْطَانِي الدَّنَانِيرَ أَوْ سَعْرَ يَوْمِي الَّذِي أَحَاسِبُهُ؟ فَقَالَ: سَعْرَ يَوْمِ أُعْطَاكَ الدَّنَانِيرَ لِأَنَّكَ حَسِبْتَ مَنَفَعَتَهَا عَنْهُ. وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ نَحْوَهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ مِثْلَهُ.